

## نقد و بررسی طبقه‌بندی‌های موضوعی قرآن

سیدمهدی لطفی\*

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۶

فاطمه هادیان\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۱۸

### چکیده

طبقه‌بندی موضوعی قرآن پیشنهادی طولانی دارد اما در عصر حاضر تحول زیادی در این حوزه رخ داده و طبقه‌بندی‌های مختلفی شکل گرفته است. این طبقه‌بندی‌ها در دو شکل طبقه‌بندی مستقل و طبقه‌بندی تفاسیر موضوعی از موضوعات قرآن قابل دسته‌بندی است. بخش قابل توجهی از طبقه‌بندی‌های مستقل، استقصای کاملی از موضوعات قرآنی ندارند و روال منطقی در بررسی موضوعات آنها وجود ندارد. همچنین نوعی سلیقه نیز در تنظیم این دسته از معاجم وجود دارد. در طبقه‌بندی‌های صورت‌گرفته در تفاسیر موضوعی نیز آسیب‌های همچون فقدان ملاک مشخص در طبقه‌بندی‌ها، طبقه‌بندی بر اساس ذهنیت غالب مفسرین یا محققین، تداخل و هم‌پوشانی در طبقه‌بندی و کلی بودن و عدم شمول بر تمام موضوعات وجود دارد. این مقاله ضمن بررسی توصیفی-انتقادی انواع طبقه‌بندی‌های موضوعی صورت‌گرفته، به بیان آسیب‌شناسی آنها می‌پردازد و در نهایت روشی پیشنهادی در بررسی موضوعات جهت رفع آسیب‌های مذکور ارائه می‌دهد.

**کلیدواژگان:** قرآن، طبقه‌بندی، تفاسیر موضوعی، معجم موضوعی، فهرست موضوعی.

\* عضو هیأت علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (استادیار).

f.hadyan.stu@gmail.com

\*\* کارشناس ارشد علوم قرآن حدیث از دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

نویسنده مسئول: فاطمه هادیان.

## مقدمه

طبقه در لغت به معنای گروه، صف و رده است. طبقه بندی نیز به معنای صف بندی، تبویب و رده بندی کردن است (دهخدا، ۱۳۵۲: ۱۶۴/۳۳-۱۶۵). طبقه بندی به هدف حفظ و تولید دانایی به وجود آمده است. به کمک طبقه بندی می توان اطلاعات را بازیابی، جایابی و از نسلی به نسل دیگر منتقل کرد (نک: پاکتچی، ۱۳۸۶: ۱۵۰). تعاریف مختلفی برای طبقه بندی ذکر شده است. بر اساس یک تعریف، طبقه بندی در کنار هم قرار دادن چیزهای مشابه است و مفهوم دقیق تر آن ترتیب اشیاء بر اساس تشابه یا عدم تشابه آن هاست (مارگات گان، ۱۳۵۱: ۴۴). طبقه بندی در ساده ترین حالت به معنای قراردادن و مرتب کردن موجودیت هایی در گروه ها یا طبقاتی بر مبنای شباهت های آن هاست (دی بیلی، ۱۳۹۲: ۹).

طبقه بندی سابقه طولانی در تاریخ دارد. اولین طبقه بندی ها در علوم تجربی به وجود آمده و پس از آن در علوم انسانی کاربرد خود را پیدا کرده است. طبقه بندی فواید زیادی دارد که از جمله مزایای طبقه بندی توصیف و مقایسه انواع، کاهش پیچیدگی، شناسایی شباهت ها و تفاوت ها و مطالعه روابط است (دی بیلی، ۱۳۹۲: ۲۰-۲۲).

پیشینه طبقه بندی موضوعات قرآنی به سده های پیشین برمی گردد، اما در قرن اخیر پیشرفت زیادی در این زمینه وجود داشته است. طبقه بندی موضوعی قرآن با نام معجم موضوعی متداول است اما عناوین دیگری چون تصنیف آیات، تفصیل الآیات، کشف الآیات، تبویب الآیات، طبقات الآیات، فهرست المطالب، فرهنگ موضوعی، المعجم الموضوعی، الفهرس الموضوعی، کشاف الموضوعی، دلیل الموضوعات، کشف المطالب نیز دارد. (زمانی، ۱۳۸۴: ۲۱۶-۲۳۳).

نکته مهم در طبقه بندی موضوعات قرآنی چگونگی استخراج و روش طبقه بندی آن هاست. با در نظر گرفتن تلاش های مختلفی که در این زمینه صورت گرفته است، می توان گفت که طرحی جامع از طبقه بندی موضوعی قرآن در دست نیست و طبقه بندی ها مختلفی صورت گرفته است که عموماً نیز برخاسته از رویکردها، نوع مطالعات و نگرش های علمی افراد به مسائل قرآنی است. بدست آوردن روشی در استخراج و طبقه بندی در سده اخیر مورد اهتمام قرآن پژوهان مختلف بوده است. بر این

اساس مقاله حاضر ضمن بررسی نقد و بررسی طبقه‌بندی‌های صورت گرفته، در صدد ارائه روشی در استخراج و طبقه‌بندی موضوعات قرآنی است.

### ضرورت طبقه‌بندی در موضوعات قرآن

عدم توانایی برقراری ارتباط بین آیات و بیان پیوستگی آن‌ها یکی از ضعف‌های تفسیر موضوعی است. بنابراین بایستی نظامی منطقی برای فهم کلمات کلیدی قرآن داشته باشیم به همین دلیل باید کلمات قرآن شناسایی شوند و ارتباط آن‌ها از لحاظ اعم و اخص بودن و پیوستگی و گسستگی معنایی آن‌ها کشف شوند (پاکتچی، ۱۳۸۷: ۲۷۴-۲۷۶). سبحانی معتقد است تفسیر موضوعی نیاز به لجنه‌های علمی و تحقیقی خاصی نیاز دارد و کار یکی از لجنه‌ها باید این باشد که آیات قرآن را طبق موضوعاتی که در قرآن مطرح شده است جمع و تقسیم بندی کند (سبحانی، ۱۳۸۳: ۱/۲۴). هم‌چنین مکارم شیرازی نیز وجود معجم‌های دقیق و جامع در این زمینه را لازم می‌بیند به شکلی که بتوان هر آیه را به آسانی از آن استخراج کرد. اگرچه ایشان معتقد است امروزه در این زمینه کارهای بسیار خوبی صورت گرفته است (مکارم، ۱۳۷۳: ۱/۳۱-۳۲). مصباح نیز معتقد است که اگر بخواهیم کل قرآن را تفسیر موضوعی کنیم باید نظم خاصی را برای کل موضوعات آن در نظر بگیریم. به این ترتیب باید ببینیم که از کجا شروع کنیم که به تفسیر بهتری برسیم. در نظر ایشان تقدم و ترتب موضوعات مهم است. از این رو معارف قرآن باید به شکل سیستماتیک و منظم عرضه شود به شکلی که پژوهشگر بتواند از یک نقطه شروع کند و زنجیروار حلقه‌های معارف اسلامی را به هم ربط بدهد و در نهایت به آنچه که هدف قرآن و اسلام است نائل شود. بنابراین به همین خاطر به ناچار باید معارف قرآن دسته بندی شود و به آن‌ها شکل داده شود (مصباح، ۱۳۷۳: ۱۸-۱۹).

بنابراین الگوهای طبقه بندی باید با پیچیدگی‌های چند بعدی مقولات تطابق داشته باشد، اگر این نسبت برقرار نشود الگوهای طبقه بندی کارایی‌شان را از دست می‌دهند؛ به همین دلیل استفاده از طبقه بندی‌های تک بعدی در آثاری که دارای ویژگی‌های چند بعدی هستند پاسخگوی پیوستگی‌های متداخل میان مقولات نیست. بنابراین باید نوعی نظام رده بندی باشد که ترکیبی از مؤلفه‌های گوناگون است (پاکتچی، ۱۳۸۶: ۱۴۱-۱۴۲).

۱۴۲). بر این اساس طبقه‌بندی موضوعی مهم و اساسی در تفسیر موضوعی است و ضرورت دارد که ضمن بررسی طبقه‌بندی‌های صورت گرفته، ملاک‌های مشخصی در زمینه طبقه‌بندی صورت گیرد.

### طبقه‌بندی‌های موضوعی قرآن

قرآن را می‌توان به دو شکل موضوعی و لفظی طبقه‌بندی کرد. طبقه‌بندی لفظی بر محور واژه‌های قرآن است که در آن تلاش بر این است که تمام واژگان قرآن استخراج شده و بر اساس الفبا چینش شود اما در طبقه‌بندی‌های موضوعی اساس کار بر موضوعات قرآن است. در این روش تکیه تنها بر واژگان موجود در قرآن نیست، بلکه دلالات التزامی و تضمینی واژگان و موضوعات قرآن را نیز در نظر گرفته می‌شود و با اشراف به تمام جوانب آن فهرستی موضوعی ارائه می‌شود. اگرچه موضوعات قرآن می‌تواند هم با استفاده مستقیم از واژگان قرآن و هم به شکل غیرمستقیم ناظر به دلالات التزامی واژگان انتخاب شود. آثاری نیز که تا کنون نگاشته شده است از هر دو نوع است. در ذیل به نمونه‌هایی از آن‌ها پرداخته خواهد شد. در این تحقیق فقط معجم‌های موضوعی قرآن آورده خواهد شد چراکه معجم‌های لفظی اگرچه بی‌نیاز از طبقه‌بندی نیستند، اما چون بیش‌تر به ترتیب الفبا و بر اساس واژگان قرآن تنظیم می‌شوند، معمولاً با فهرست‌های موضوعی تفاوت بسیاری پیدا می‌کنند. آثار نگاشته‌شده در این تحقیق در دو بخش بررسی خواهند شد. آثاری که به شکل مستقل درباره موضوعات قرآنی نگاشته شده‌اند و آثاری که در ضمن تفاسیر به دسته‌بندی موضوعات قرآن پرداخته‌اند.

### فهرست‌های مستقل موضوعی قرآن

نمونه‌هایی از فهرست‌های مستقل موضوعی قرآن عبارت‌اند از «آیه‌های زندگی» تألیف حسین اسکندری در ۵ جلد، «پیام وحی» تألیف دکتر محمد کریمی در ۱۵ بخش؛ «الترتیب و البیان عن تفصیل آی القرآن» تألیف محمد زکی صالح در ۱۳۰ مدخل اصلی و عناوین فرعی؛ «تصنیف آیات القرآن الکریم» تألیف محمد محمود اسماعیل در ۱۱ بخش؛ «تنویر الأذهان لمواضيع القرآن» تألیف عبود احمد الخزرجی؛

«الجامع لمواضيع القرآن الکریم» تألیف محمد فارس برکات در ۲۲ باب و ۴۳۲ مدخل فرعی؛ «دلیل الباحثین فی الموضوعات القرآنیة» تألیف محمد محمود محمد؛ «دلیل مباحث علوم القرآن المجید» تألیف محمد العربی الغروزی؛ «دلیل الموضوعات فی آیات القرآن الکریم» تألیف اسامه کامل ابوشقراء در ده جزء است. «راهنمای کشف موضوعی آیات قرآن» تألیف احمد مخملی در ۱۸ فصل؛ «سبیل الهدی» (تبویب موضوعی آیات) تألیف السایح علی حسین؛ «زاد المؤلفین من کتاب رب العالمین» تألیف عبد الله محمد الدرویش؛ «سبیل الهدی» (تبویب موضوعی آیات) تألیف السایح علی حسین؛ «فرهنگ قرآن» اثری از مرکز فرهنگ و معارف قرآن.

### نقد و بررسی

در فهرست‌های موضوعی برخی الفبایی - موضوعی و برخی فقط موضوعی است. برخی روال منطقی را در چینش موضوعات در پیش گرفته‌اند اما برخی بیش‌تر ذوقی عمل کرده‌اند. حدود دو سوم معجم‌ها به ترتیب موضوعی است و یک سوم به ترتیب الفبایی و تعداد کمی الفبایی - موضوعی است (زمانی، ۱۳۸۵: ش ۴۶ و ۴۷).

علاوه بر این برخی معجم‌ها به ترتیب آیات، موضوعات را ذکر کرده‌اند و به بخشی از معارف قرآن پرداخته‌اند. فقط در برخی موضوعات، تقریباً آیات به شکل کامل استقصاء شده‌اند. آثاری همچون «آیه‌های زندگی» اثر حسین اسکندری، «اصول العلوم الانسانیة من القرآن» تألیف زینب عطیه محمد، «تنویر الأذهان لمواضيع القرآن» تألیف عبود احمد الخزرچی و «راهنمای کشف موضوعی آیات قرآن» تألیف احمد مخملی از این دست آثارند. فقط در برخی معجم‌ها آیات لفظاً یا از نظر معنی یا به دلالت‌های ضمنی یا التزامی به موضوع مربوط هستند که این آسیب نیز در اکثر این آثار قابل مشاهده است. در برخی از معجم، آیات با آدرس کامل آورده نشده است.

برخی از مؤلفان نکات تفسیری یا روایی را نیز در معجمات داخل کرده‌اند. هم‌چنین آیات با موضوع همخوانی ندارد (به عنوان نمونه نک: دلیل الموضوعات فی آیات القرآن الکریم از اسامه کامل ابوشقراء). از دیگر نقدهای وارده بر این معجم دسته‌بندی پراکنده و فاقد نظام منطقی است (نک: اصول العلوم الانسانیة من القرآن از زینب عطیه محمد،

الترتیب والبیان عن تفصیل آی القرآن از محمد زکی صالح، تصنیف آیات القرآن الکریم از محمد محمود اسماعیل). این در حالی است که بیش از هر چیز در یک معجم ساختار، انسجام و چینش اطلاعات مهم است. موضوعات کلی و موضوعات فرعی و زیربخش‌ها باید به درستی مشخص شود.

عناوین موضوعات باید مشخص شود از چه الفاظی استفاده می‌شود، آیا باید عین واژه قرآن به کار رود یا ترجمه آن یا از الفاظ جدید استفاده شود. بیش‌تر فهرست‌های موضوعی تحت دیدگاه کلامی، تقسیم سه‌گانه معارف قرآن به توحید، نبوت و معاد را لحاظ کرده‌اند.

بنابراین قبل از استقصاء کامل موضوعات قرآن پیش‌فرض کلامی بر فهرست‌ها سایه انداخته است. بین موضوعات اصلی و فرعی ارتباط و انسجام وجود ندارد. موضوعات تحت نظامی کلی و سیستم رهبری نمی‌شوند. در همه فهرست‌ها بدون استثناء از طبقه‌بندی ساده یا درختی استفاده شده است. اما این طبقه‌بندی که به شکل عرضی موضوعات را چینش می‌کند توانایی ارتباطات چند سویه موضوعات قرآن را ندارد. واضح است که موضوعات قرآن از جنبه‌های مختلف با هم در ارتباط‌اند اما در فهرست‌های کنونی فقط روابط خطی بین موضوعات در نظر گرفته شده است.

برخی از محققان بر این نظرند که دسته‌ای از فهرست‌های موضوعی مبتنی بر کار علمی دقیق نیستند. به عنوان مثال فرهنگ «موضوعات قرآن» از خرمشاهی و «الحیاء» حکیمی از فهرست‌های موضوعی است ولی این دو فرهنگ، کار علمی انجام نداده‌اند و مفسران و محققان هم کاملاً به شکل فرضی و شخصی، موضوعات را انتخاب کرده‌اند (پاکتچی، ۱۳۸۷: ۲۷۸).

### آثار غیر مستقل در فهرست بندی موضوعات قرآن

برخی از مفسران پیش از شروع تفسیر موضوعی و برخی دیگر در تفاسیر ترتیبی به تقسیم‌بندی از موضوعات قرآنی دست زده‌اند. در زیر این دسته از تقسیم‌بندی موضوعی بررسی خواهد شد.

## ۱. طبقه بندی معارف قرآن مصباح یزدی

«معارف قرآن» به قلم مصباح یزدی است. ایشان با توجه به اینکه برخی محتوای دین را به سه بخش (عقاید، اخلاق و احکام) تقسیم کرده‌اند. با نظری دقیق‌تر آن را به ده بخش تقسیم نموده و از دیدگاه قرآن که منبع اصیل دین است مورد بررسی و بحث قرار داده است: ۱. خداشناسی که شامل شناخت خدا و توحید و صفات و کلیات افعال الهی است؛ ۲. جهان‌شناسی: شامل مباحث آفرینش، پدیده‌های زمینی، جهان غیب و مسأله خلق و تدبیر؛ ۳. انسان‌شناسی: آفرینش انسان، ویژگی‌های روح، کرامت و مسئولیت انسانی، زندگی و سنن الهی در حیات فردی و اجتماعی و بالأخره معاد و سرنوشت نهایی بشر؛ ۴. راه‌شناسی: انواع علم حضوری و حصولی و الهام و وحی، مسأله نبوت و ضرورت بعثت انبیا و هدف آن؛ اعجاز، عصمت و سرانجام مسأله امامت؛ ۵. راهنماشناسی: تاریخ انبیاء و روش پیامبر اسلام در تبلیغ؛ ۶. قرآن‌شناسی: مباحث پیرامون شناخت قرآن در ابعاد مختلف آن؛ ۷. اخلاق یا انسان‌سازی قرآن (رفتار پاک)؛ ۸. برنامه‌های عبادی قرآن: عبادات و توفیق روابط با خدا؛ ۹. احکام فردی قرآن: معاملات و انواع رفتارهای حلال و حرام؛ ۱۰. احکام اجتماعی قرآن: انتظامات و روابط داخلی و بین‌المللی.

## ۲. طبقه بندی آیت الله حکیم

آیت الله حکیم در بخشی از کتاب «علوم قرآنی» خویش به تبیین تفسیر موضوعی پرداخته است. در همین بخش فهرستی اجمالی از موضوعات قرآن نیز ارائه داده است. به نظر حکیم قرآن به موضوعات فراوانی پرداخته و در این موضوعات نیز بیش‌تر جنبه‌های فکری و فرهنگی مربوط به زندگی و آفرینش و اجتماع در ارتباط با مسایل عقیدتی، تشریحی، اخلاق، حکومت، روابط اجتماعی سر و کار پیدا کرده است. فهرستی که حکیم از موضوعات ارائه کرده در ده عنوان است: ۱. الوهیت، ۲. افعال خدا، ۳. عالم غیب، ۴. انسان پیش از دنیا، ۵. انسان در این دنیا، ۶. انسان پس از این دنیا، ۷. اخلاق انسانی، ۸. تشریح اسلامی، ۹. آفرینش و زندگی، ۱۰. حرکت و دعوت اسلامی. سپس ایشان جزئیات هر موضوع را نیز توضیح داده است. به عنوان مثال در بخش دهم همه رویدادهایی که پیامبر اسلام و مسلمانان با آن‌ها رویارو شدند و موضع‌گیری‌های قرآن کریم در برابر

آن‌ها و هم‌چنین شبهات و مشکلاتی که از جانب دشمنان مطرح می‌شده است در این بخش جای گرفته‌اند. به نظر حکیم هدف قرآن کریم از طرح این موضوعات و شیوه قرآن در چگونگی بیان آن‌ها به دلیل دگرگون سازی اجتماعی بوده است. بنابراین طرح موضوعات به شکل متداخل در قرآن بنا بر هدف مورد نظر بوده و اشکالی در نیل به هدف ایجاد نمی‌کند (حکیم، ۱۳۷۸: ۳۶۴-۳۶۷).

### ۳. طبقه بندی علامه طباطبایی

علامه طباطبایی اگرچه معتقد است که قرآن گستردگی شگفت‌انگیزی دارد و شامل احکام، عبادات، معاملات و مسائل سیاسی و اجتماعی و قصه‌ها و ... می‌شود، اما بازگشت همه معارف قرآن را به سه اصل توحید، نبوت و معاد و شاخه‌های آن‌ها و آنچه به هدایت انسان و اصلاح امور انسان در این دنیا و آخرت مربوط است می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۴۰).

### ۴. طبقه بندی محمد عبده

محمد عبده مطالب محوری و اصولی معارف قرآن را به پنج بخش توحید، بشارت به یکتاپرستان و هشدار به مخالفان آنان که شامل تبشیر و انذارها و وعده و وعیدها می‌شود، عبادت که معتقد است توحید را زنده می‌کند و در جان‌ها آن را ثابت نگه می‌دارد، بیان راه سعادت که منتهی به نعمت‌های دنیوی و اخروی شود و در آخر داستان‌های مربوط به موافقان و مخالفان دین تقسیم می‌کند (رشید رضا، بی تا: ۱ / ۳۶).

### ۵. طبقه بندی رشید رضا

رشید رضا معارف قرآن را به ده طبقه تقسیم بندی می‌کند. پایه‌های دین، پیامبر و وظائف پیامبری، ویژگی‌های اسلام، اصلاح اجتماعی و سیاسی، تکلیف‌ها و وظیفه‌های فردی، نظام سیاسی اسلام، رهنمودها و نظام اقتصادی، جنگ و جهاد، حقوق انسانی، دینی و اجتماعی زن و مبارزه با برده‌برداری از هدف‌های ده‌گانه‌ای است که این مفسر برای معارف قرآن در نظر گرفته است (رشید رضا، بی تا: ۱۱ / ۲۰۶-۲۹۲).



## ۶. طبقه‌بندی عبدالله درآز از موضوعات اخلاقی قرآن

کتاب «دستور الاخلاق» به وسیله محمد عبدالله درآز نگاشته شده است. هدف از تألیف این کتاب بررسی و پیاده ساختن نکات و دستورات اخلاقی از منظر قرآن است. کتاب در دو بخش اخلاق نظری و اخلاقی عملی که هر کدام پنج فصل دارد سامان یافته است.

عناوین فصول بخش اول شامل فصل اول با عنوان تعهد به ریشه‌یابی الزامات اخلاقی از سوی انسان می‌پردازد. در فصل دوم با عنوان اجمالی از فضایل مهم اسلامی است. فصل سوم مجازات، فصل چهارم با عنوان نیت‌ها و انگیزه‌ها و فصل پنجم با نام کوشش پایان‌بخش اخلاق نظری است. اما بخش دوم که به انگیزه اخلاق عملی نوشته شده است شامل اخلاق فردی، اخلاق خانواده، اخلاق اجتماعی، اخلاق دولتمردان و اخلاق دینی است. بخش اخلاق نظری بیش‌تر ناظر به مبانی اخلاق و تبیین و مقایسه آن با دیگر مکاتب اخلاقی است.

در بخش اخلاق عملی در اخلاق فردی در چهار بخش اوامر، نواهی، مباحات و مخالفت به دلیل اضطرار به موضوعاتی چون تزکیه نفس، پایداری، پاکدامنی، تسلط بر نفس، کظم غیظ، راستی، نرمش و فروتنی، خودکشی، دروغ، بخل، حسد و طمع، برخوردار از نعمت‌های پاکیزه پرداخته است. در اخلاق خانواده به وظایف والدین و فرزندان و همسران در قبال هم پرداخته، هم‌چنین به ازدواج، طلاق و وظایف نسبت به خویشاوندان.

در اخلاق اجتماعی در سه بخش نواهی، اوامر و قوانین ادب تنظیم شده است. نواهی مانند آدم‌کشی، دزدی، اختلاس، خیانت و اوامر شامل بازگرداندن امانت، تنظیم قرارداد برای رفع نگرانی، وفای به عهد، قوانین ادب نیز شامل موضوعاتی چون سلام کردن و اجازه خواستن است. در فصل اخلاق دولتمردان در سه بخش رابطه رئیس و مردم، وظایف مردم و روابط خارجی تنظیم گشته است که به طور کلی به سیاست‌های داخلی و خارجی می‌پردازد. در فصل اخلاق دینی نیز وظایف بندگان نسبت به خدا در اموری مانند ایمان، اطاعت، توکل و اموری از این دست و هم‌چنین انجام واجبات اختصاص یافته است.

## ۷. طبقه بندی مکارم شیرازی در پیام قرآن

گروه هفت نفره‌ای زیر نظر مکارم شیرازی، مباحث مطرح‌شده در «تفسیر نمونه» را استخراج کرده و با نظم و ترتیبی طبیعی، آن را به صورت تفسیر موضوعی درآورده‌اند. در سال ۱۴۰۸ق/ ۱۳۶۶ش آغاز شده و در ده مجلد و دو جلد الحاقی - در اخلاق - تدوین شده است. جلد نخست شامل امکان شناخت و ابزار و موانع آن؛ جلد دوم: خداجویی و انگیزه‌های آن و برهان نظم در ۲۱ نشانه در طبیعت؛ جلد سوم: طرق معرفة الله و براهین پنج‌گانه بر اثبات واجب الوجود و ابعاد مسأله توحید؛ جلد چهارم: بحث از صفات جمال و جلال؛ جلد پنجم: بحث از معاد و دلایل امکان و براهین اثبات آن؛ و بحث از معاد جسمانی و ردّ شبهات بر آن؛ جلد ششم: بحث از نشانه‌های قیامت و عرصات آن و بهشت و دوزخ و مسأله خلود؛ جلد هفتم: نبوت عامّه و مسأله عصمت و تنزیه انبیاء و طرق شناخت پیامبران؛ جلد هشتم: نبوت خاصّه و عوامل نفوذ و پیشرفت اسلام؛ جلد نهم: امامت و ولایت و بررسی دلایل آن و استناد به چهار آیه که مستقیماً و ۲۳ آیه که غیرمستقیم بر آن دلالت دارند؛ جلد دهم: نظام حکومت در اسلام، در پهنه تاریخ. دو جلد الحاقی؛ جلد اول: مبانی اخلاق در قرآن و جلد دوم: اخلاق پسندیده و ناپسند در قرآن.

## ۸. طبقه بندی سبحانی در مفاهیم القرآن

در ده مجلد و اثر علامه جعفر سبحانی است. دو مجلد نخست به قلم جعفر الهادی و بقیه به قلم خود ایشان است. در سال ۱۴۰۰ آغاز شده و هم‌چنان ادامه دارد؛ جلد نخست: بحث درباره توحید، فطرت، عالم ذرّ و براهین اثبات واجب الوجود در قرآن؛ جلد دوم: در خصوص حکومت اسلامی و ویژگی‌های آن از نظر قرآن؛ جلد سوم: نبوت، خاتمیت و جهانی‌بودن رسالت اسلام؛ جلد چهارم: بحث در خصوص اجر رسالت، معجزه و شفاعت؛ جلد پنجم: عصمت، پاسخ به شبهات و مسأله تنزیه انبیاء؛ جلد ششم: بحث درباره شناخت صفات جمال و جلال و تفسیر اسماء الله وارد در قرآن - به ترتیب الفبا؛ جلد هفتم: بشارات انبیا درباره بعثت خاتم الانبیاء و سیره پیامبر از آغاز بعثت تا هجرت و پس از آن - که شامل غزوات و معاهدات آن حضرت است - و بحث از جهاد؛ که جنبه

دفاعی دارد؛ و در پایان به واقعه غدیر خم پرداخته است؛ جلد هشتم: بحث معاد و پاسخ به سؤالات مربوط به عالم برزخ و جسمانی بودن معاد و تجسم اعمال و احوال و احوال قیامت؛ جلد نهم: بحث از مثال‌ها و سوگندهای قرآن. جلد دهم: بحث درباره عدل الهی، مسأله حسن و قبح عقلی، مسأله امر بین الامرین و نفی جبر و تفویض، بحث از مصلحت و مقتضیات نظام حاکم و نقش بیعت در حکومت اسلامی، جایگاه اهل بیت از نظر قرآن و نقش آنان در تفسیر؛ و در پایان، بحث کوتاهی از تفسیر و مراحل تطوّر و الوان و انحاء آن در طول تاریخ و مسأله نفی تحریف.

### ۹. طبقه‌بندی سبحانی در منشور جاوید

اثر سبحانی بنا بر ادعای مفسر، نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی است. مؤلف، در سال ۱۴۰۱ق / ۱۳۵۹ش تألیفشان را آغاز کرده و تا کنون دوازده جلد از آن به چاپ رسیده است.

جلد نخست: شامل ۲۴ اصل: ۱. یکتاپرستی، ۲. نیکی به والدین، ۳. فرزندکشی در جاهلیت و عصر فضا، ۴- مبارزه با فساد اخلاقی، ۵. احترام به انسان، ۶. حمایت از یتیم، ۷. ابعاد قسط و عدل، ۸. تکلیف در حدود قدرت، ۹. عدالت در گفتار، ۱۰. وفای به عهد، ۱۱. ابزار شناخت، ۱۲. امکان شناخت، ۱۳. اسراف و تبذیر، ۱۴. حجاب تعصّب، ۱۵. جایگاه زبان از دیدگاه قرآن، ۱۶. شکر و سپاس، ۱۷. آزمایش‌های الهی، ۱۸. از خود بیگانگی، ۱۹. داستان‌های قرآن، ۲۰. قلب و فؤاد در قرآن، ۲۱. ضرورت تشکیل جامعه، ۲۲. بعد جهانی جامعه، ۲۳- نظام‌مندی جامعه، ۲۴. سنن الهی در جامعه؛ جلد دوم: مسأله توحید و ابعاد آن؛ و خداشناسی و براهین ده‌گانه آن: برهان فطرت، برهان حدوث، برهان امکان، برهان حرکت، برهان نظم، برهان محاسبه و احتمالات، برهان موازنه و اعتدال، برهان راهیابی جاندارها، برهان هماهنگی پدیده‌ها، برهان صدیقین؛ جلد سوم: بحث از جهاد، هجرت، حق و باطل، هدایت و ضلال، تفسیر و تأویل، محکم و متشابه و عدالت صحابه از دیدگاه تاریخ؛ جلد چهارم: بحث گسترده در خصوص نفاق و انسان و نیز بحث از اراده و اختیار؛ جلد پنجم: عصمت و تنزیه انبیا؛ جلد ششم: شناخت پیامبر و امام از دیدگاه قرآن؛ و بخشی از سیره پیامبر اسلام؛ جلد هفتم: ادامه سیره پیامبر و نگاهی به غزوات

آن حضرت؛ جلد هشتم: بحث از توبه، شفاعت، احباط و تکفیر و مسأله آگاهی اولیای الهی از غیب؛ جلد نهم: در باب معاد و ابعاد آن و تجسم اعمال؛ جلد دهم: ضرورت بعثت انبیا و سنت الهی در این باره؛ جلد یازدهم: قصص انبیا؛ آنگونه که در قرآن آمده است؛ جلد دوازدهم: ادامه بحث‌های قبل تا بحث از حضرت مسیح.

این تفسیر در آغاز توسط نشر *امیرالمؤمنین(ع)* به چاپ رسید ولی پس از آن با تغییراتی اندک در فهرست توسط نشر *امام صادق(ع)* به چاپ رسید.

### ۱۰. طبقه بندی جوادی آملی در تفسیر موضوعی قرآن کریم

«تفسیر موضوعی» استاد جوادی آملی، با گرایش کاملاً عرفانی نگارش یافته، سبک تفسیری آن بر مبنای تفسیر قرآن به قرآن است و برای متمیم و تکمیل هر بحث از روایات معصومین علیهم السلام نیز استفاده شده است.

مباحث کتاب از حیث جامعیت مطالب، ظرافت و عمق و نیز ترتیب منطقی مباحث در سطح مناسبی است؛ با آنکه مباحث کتاب از ثقل ویژه‌ای در محتوا برخوردار است، از نظر قلم و نگارش تا حدود زیادی سعی شده تا با زبانی روان و رسا بیان شود تا علاوه بر فضلا و طلاب حوزه، فرهنگیان و دانشگاہیان نیز بتوانند بیش‌ترین بهره‌مندی را از آن داشته باشند.

به نظر استاد معرفت، این تفسیر، سرشار از معارف اسلامی، به شیوه عارفان حقیقی است که با عمق‌نگری و جامعیت نسبتاً کاملی تقریر و تنظیم گردیده و در موقع تحقیق و تنظیم، با مراجعه به استاد برای رفع شبهات و ابهامات، مطالب ارزنده‌ای بر آن اضافه شده که غالباً در پایان هر بحث با واژه‌های «گفتنی است» و «تذکر» آمده است و با این عمل، هرگونه خلل محتمل رفع و تدارک شده است و به صورت تکمیل یافته ارائه گردیده است که از این جهت قابل توجه است (معرفت، ۱۳۷۹: ۲/۵۳۶). تفسیر موضوعی جوادی آملی که سلسله سخنرانی‌های ایشان در موضوعات مختلف است ابتدا به شکل کلی در ۱۳ جلد توسط نشر رجاء به چاپ رسیده است.

## نقد و بررسی طبقه‌بندی‌های موضوعی

به طور کلی می‌توان نقدهایی بر طبقه‌بندی‌های فوق وارد کرد که در زیر به آن‌ها خواهیم پرداخت:

۱. فقدان ملاک مشخص در طبقه‌بندی‌ها: در یک طبقه باید روابط و ویژگی‌ها در نظر گرفته شود و بر اساس ارتباطاتی که اعضاء با هم دارند ملاک معینی مشخص شود. در پاره‌ای از طبقه‌بندی‌های صورت گرفته چنین مبنایی وجود ندارد (نک: طبقه‌بندی حکیم، ۱۳۷۸: ۳۶۴-۳۶۷؛ رشید رضا، بی تا: ۱/ ۳۶؛ و طبقه‌بندی دراز در دستور الاخلاق).

۲. طبقه‌بندی بر اساس ذهنیت غالب مفسرین یا محققین: طبقه‌بندی بر اساس پیش‌فرض‌های مفسر است و بر اساس علومی که به آن‌ها آگاه است شکل می‌گیرد و به چینش و ترتیب آیات و یا ارتباط بین واژه‌ها توجه نمی‌نماید (نک: تفسیر موضوعی جواد آملی جلد دهم و یازدهم، منشور جاوید از جعفر سبحانی جلد اول، دوم و سوم، پیام قرآن مکارم شیرازی جلد اول تا سوم).

۳. تداخل و هم‌پوشانی در طبقه‌بندی: در یک گروه یا یک طبقه باید اعضای گروه با هم شباهت داشته و تا حد ممکن همگن باشند. تمایز گروه‌های مختلف در تفاوت بین اعضا است. بنابراین نباید دو طبقه مختلف دارای اعضای شبیه به هم باشند. نمونه‌ای از این تداخل در طبقه‌بندی رشید رضا رخ داده است. عناوین ده‌گانه طبقه‌بندی وی کاملاً با هم متداخل‌اند، عبده نیز در تقسیم پنج‌گانه خود موضوعات فرعی و اصلی را در هم آمیخته است. در طبقه‌بندی حکیم نیز ده عنوان ایشان هم‌عرض هم نیست. در طبقه‌بندی مصباح یزدی عنوان احکام اجتماعی و فردی با برنامه‌های عبادی قابل جمع در بخشی به نام احکام است و سپس به عناوین فرعی قابل تقسیم است.

۴. عدم توازن در طبقه‌بندی‌ها: در برخی طبقه‌بندی‌ها حجم زیادی به یک طبقه اختصاص یافته و حجم کمی به طبقه دیگر اختصاص یافته است. در طبقه‌بندی حکیم عنوان انسان پیش از این دنیا و انسان در این دنیا که از نظر حجم موضوعات قابل مقایسه با هم نیست.

۵. کلی بودن و عدم شمول بر تمام موضوعات: طبقه‌بندی‌ها کلی است و تمام موضوعات را در بر نمی‌گیرد. توصیفی که طبقه‌بندی‌های مذکور از موضوعات دارد شامل

تمام موارد نمی‌شود و تمام انواع را مقایسه نمی‌کند(نک: منشور جاوید، پیام قرآن، تفسیر موضوعی جوادی آملی که بیش‌تر به موضوعات اعتقادی با سه عنوان توحید، نبوت و معاد پرداخته‌اند و موضوعات دیگر قرآن نادیده گرفته شده است).

### روش پیشنهادی

در طبقه‌بندی موضوعات قرآنی می‌توان مراحل مختلفی را در نظر گرفت که دقت در هر یک از این مراحل می‌تواند نقش مؤثری در طبقه‌بندی صحیح مطالب داشته باشد:

#### ۱. انتخاب روش طبقه‌بندی موضوعات

در طبقه‌بندی موضوعی، محقق به دنبال استخراج مفاهیم و موضوعات مطرح در آیات است. مفاهیم کلیدی در این بین نقش شناسه را برای اجزاء موضوع دارند و مبنای طبقه‌بندی قرار می‌گیرند. برای دستیابی به این مفاهیم و آموزه‌ها، می‌توان به دو روش استخراجی و تبیینی عمل کرد که در زیر به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

#### روش استخراجی

روش استخراجی مبتنی بر استخراج مفاهیم و آموزه‌ها از منابع موجود بر پایه روش‌هایی همچون تحلیل محتوا درباره موضوع طبقه‌بندی است. طبقه‌بندی بر اساس روش استخراجی، نظام‌سازی با مایه‌های انگیخته است(پاکتچی، ۱۳۸۶: ۱۴۴). چینش انگیخته به معنای این است که انگیزشی بیرونی در پیدایش آن‌ها دخیل است و به شخص پدیدآورنده مربوط نمی‌شود. مثلاً ترتیب مراحل زندگی انسان(نوزادی، کودکی، جوانی، پیری) از طرف خود فرد تعیین نشده و از بیرون گرفته شده است(پاکتچی، ۱۳۹۱: ۱۸۹).

#### روش تبیینی

روش تبیین نیز که هم‌سان‌یابی مفاهیم و آموزه‌ها و تبیین آن در ساختار رایج تعلیمی در منابع در دسترس موضوع طبقه‌بندی است(نک: پاکتچی، ۱۳۸۶: ۱۴۴). طبقه‌بندی تبیینی نظام‌سازی با مایه‌های بیش‌تر قراردادی است(پاکتچی، ۱۳۸۶: ۱۴۴). چینش‌های تبیینی مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی است؛ یعنی پدیدآورنده ترتیب و چینش‌ها

را وضع می‌کند (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۱۸۹). بر این اساس عمده طبقه‌بندی‌های صورت‌گرفته به صورت تبیینی است و پیش‌فرض‌های گردآورندگان در تنظیم موضوعات تأثیر زیادی داشته است. در حالی که روش استخراجی بودن در نظر داشتن پیش‌فرض‌ها به طبقه‌بندی موضوعات می‌پردازد. از این رو روش استخراجی از ارجحیت بیش‌تری برخوردار است. از این رو محقق قرآنی می‌تواند بر پایه روش استخراجی دست به استخراج مفاهیم کلیدی آیات بزند و آن‌ها را در ضمن مفاهیم و موضوعات مختلفی طبقه‌بندی کند.

### در نظر گرفتن قواعد طبقه‌بندی

تقدم و تأخر موضوعات و جایگاه آن‌ها در طبقه‌بندی در کتب نیز تابع قواعدی است که محققان می‌توانند به آن اهتمام ورزند. از جمله این قواعد می‌توان به عموم و خصوص، توقف (اناطه) و اشرفیت (طاهری عراقی، ۱۳۵۸: ۲۷-۲۸؛ خاکساری، ۱۳۶۹: ۲۰-۲۱) اشاره کرد. این قواعد در طبقه‌بندی علوم و طبقه‌بندی کتب و ابواب کتاب کاربرد داشته است که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

الف- عموم و خصوص: قاعده عموم و خصوص به این معناست که موضوعات خاص از عام گرفته شود و بایستی از عموم به سمت خصوص حرکت کرد (طاهری عراقی، ۱۳۵۸: ۲۷؛ خاکساری، ۱۳۶۹: ۲۰). برخی این قاعده را به عنوان تعریف علم طبقه‌بندی نیز در نظر گرفته‌اند. از جمله طاش کبری زاده عالم اسلامی قرن دهم هجری علم طبقه‌بندی را علمی می‌داند که به دنبال مراتب و درجات موضوعات از اعم به اخص است تا بدین وسیله موضوع علمی که در ضمن اعم قرار گرفته است حاصل شود (طاش کبری زاده، ۱۳۵۶ ق: ۱/۱۵).

قاعده عموم و خصوص که به قاعده اصل و فرع هم معروف است از مهم‌ترین و اساسی‌ترین قواعد در تنظیم طبقه‌بندی‌هاست و امروزه نیز در طبقه‌بندی‌های نظری و عملی کاربرد دارد (طاهری عراقی، ۱۳۵۸: ۲۷؛ خاکساری، ۱۳۶۹: ۲۱). بنابراین طرح باید سیستماتیک باشد و موضوعات از کلی به جزئی باشد (مارگات مان، ۱۳۵۱: ۶۴). به همین دلیل برای فهم کلمات کلیدی قرآن داشتن یک نظام منطقی ضروری است. به این

ترتیب کلمات کلیدی قرآن باید شناسایی شوند و ارتباط آن‌ها از لحاظ اعم و اخص بودن و پیوستگی و گسستگی معنایی باید کشف شود (پاکتچی، ۱۳۸۷: ۲۷۴-۲۷۶).

ب- توقف یا اناطه: تعلیم و تعلم برخی علوم موقوف به آگاهی بر بعضی از دانش‌های دیگر است. به عنوان مثال یادگیری علم بلاغت متوقف بر علم صرف و نحو است و یا علم فقه متوقف بر علم اصول است. این قاعده در نظام تعلیمات مدارس اسلامی رعایت می‌شده و در طبقه‌بندی‌های علوم نیز مؤثر است (طاهری عراقی، ۱۳۵۸: ۲۸؛ خاکساری، ۱۳۶۹: ۲۱). این قاعده را می‌توان وجود یا فقدان تفاوت ارزشی میان مقولات هم‌عرض یا قسیم‌ها نیز نامید.

ج- اشرفیت: در این قاعده ترتیب طبقه‌بندی علوم بر حسب شرف آن علم و اهمیت موضوع آن علم صورت می‌پذیرد. البته در نظر گرفتن این قاعده در علوم مبنای سلیقه‌ای دارد به خاطر اینکه اشرفیت امری نسبی و اضافی است و تناسب عقاید و فرهنگ‌ها متفاوت است؛ به همین دلیل این قاعده چندان پایه علمی ندارد هرچند این قاعده در اکثر طبقه‌بندی‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در باب اشرفیت یک علم سه وجه مد نظر قرار می‌گیرد: الف- به سبب شرف موضوع آن علم: مانند تفسیر که بر حدیث اشرف است. چون موضوع علم حدیث کلام خلق است در حالی که موضوع تفسیر کلام خداست. ب- به خاطر شرف غایت و غرض آن علم: مانند علم طب که بر علم نحو اشرفیت دارد. ج- به سبب درجه نیاز به آن علم: بر حسب نیازی که به یک علم احساس می‌شود می‌توان طبقه‌بندی را ارائه کرد. به عنوان مثال علم فقه که در بردارنده قوانین و مصالح دین و دنیاست اشرف بر علم تاریخ است (طاهری عراقی، ۱۳۵۸: ۲۸؛ خاکساری، ۱۳۶۹: ۲۱). این قاعده را می‌توان وجود یا فقدان تفاوت ارزشی میان مقولات هم‌عرض یا قسیم‌ها نیز نامید (پاکتچی، ۱۳۹۲: ۸).

قواعد فوق در طبقه‌بندی موضوعات قرآنی قابل استفاده است و قرآن‌پژوه باید قبل از اساس طبقه‌بندی قاعده یا قواعد مورد استفاده خود را بیان نماید. بر این اساس می‌توان قاعده عموم و خصوص را مبنای اصلی قرار داد و در ضمن آن از دو قاعده اناطه و اشرفیت نیز بهره‌گیری خواهد شد. افزون بر این طبقه‌بندی موضوعات قرآنی نیازمند شرایط لازم آن است که از جمله می‌توان به شرایط ذیل اشاره کرد:



۱. باید تا حد امکان کامل باشد یعنی سراسر موضوع یا موضوعات مورد نظر را فرا بگیرد
۲. باید به حد کافی شاخه‌های فرعی‌تر را روشن سازد و تمام درجات موضوع کلی را آشکار نماید.
۳. باید پیوستگی موضوعات گوناگون و نیز طبقه‌بندی از نظر گروه‌های مختلف را ممکن سازد.
۴. باید منطقی باشد یعنی توالی و تسلسل موضوعات را بازگو کند.
۵. باید صریح ولی موجز باشد.
۶. باید قابلیت گسترش و انعطاف داشته باشد (مارگات مان، ۱۳۵۱: ۶۴).
۷. می‌توان با استفاده از کلمات کلیدی قرآن، میدان‌های معناشناسی هر واژه را به همراه ارتباط سیستمی بین آن‌ها بررسی کرد (فصلنامه مطالعات قرآنی، ۱۳۹۴: ش ۲۴).

### نتیجه بحث

علی‌رغم وجود سابقه طبقه‌بندی موضوعی قرآن در سده‌های پیشین، تفسیر موضوعی قرآن، رویکردی جدید در عصر حاضر است که پرداختن به آن ضرورت ارائه طبقه‌بندی موضوعات قرآن را نیز روشن می‌سازد. در واقع طبقه‌بندی صحیح موضوعات قرآنی گام اولیه و مؤثر در تفسیر موضوعی است. طبقه‌بندی موضوعی قرآن در دو قالب طبقه‌بندی-های مستقل موضوعی قرآن و طبقه‌بندی موضوعات در تفاسیر موضوعی صورت گرفته است.

طبقه‌بندی‌های مستقل موضوعات قرآنی دارای آسیب‌هایی هستند که از جمله می‌توان به ذوقی و سلیقه‌ای عمل کردن در چینش و ترتیب منطقی موضوعات اشاره کرد. بخشی از آن‌ها نیز استقصای کاملی از آیات قرآن ندارند و در مواردی آیات ذکرشده در ذیل موضوعات با موضوع هم‌خوانی ندارند.

در طبقه‌بندی‌های غیر مستقلی که در ضمن تفاسیر موضوعی جای گرفته‌اند نیز آسیب‌هایی همچون فقدان ملاک مشخص در طبقه‌بندی‌ها، طبقه‌بندی بر اساس ذهنیت غالب مفسرین یا محققین، تداخل و هم‌پوشانی در طبقه‌بندی‌ها، عدم توازن در

طبقه بندی‌ها و کلی بودن و عدم شمول تمام موضوعات قرآنی وجود دارد. آسیب‌های طبقه‌بندی را می‌توان با در نظر گرفتن روش طبقه‌بندی مناسب و قواعد طبقه‌بندی برطرف کرد.

در طبقه‌بندی موضوعات دو روش تبیینی و استخراجی وجود دارد که روش استخراجی مبتنی بر استخراج مفاهیم و آموزه‌ها از منابع موجود بر پایه روش‌هایی همچون تحلیل محتوا درباره موضوع طبقه بندی است و روش تبیینی هم‌سان‌یابی مفاهیم و آموزه‌ها و تبیین آن در ساختار رایج تعلیمی در منابع در دسترس موضوع طبقه بندی است. چیدمان‌های تبیینی مبتنی بر پیش فرض‌هایی است یعنی پدیدآورنده ترتیب و چیدمان‌ها را وضع می‌کند اما در روش استخراجی بنا بر استخراج بدون پیش فرض است. از این رو روش استخراجی روشی مناسب‌تر است. قواعد طبقه‌بندی نیز عبارت‌اند از عموم و خصوص، توقف یا اناطه و اشرفیت که بر این اساس طبقه‌بندی موضوعات تابع یک یا تمام این قواعد خواهد بود.

## کتابنامه

- ابن حزم، علی بن احمد. ۱۳۶۹ش، **مراتب العلوم**، ترجمه محمدعلی خاکساری، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.
- پاکتچی، احمد. ۱۳۸۷ش، **تاریخ تفسیر قرآن کریم**، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
- پاکتچی، احمد. ۱۳۸۶ش، **مایه‌های فلسفی در میراث ایران باستان**، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
- پاکتچی، احمد. ۱۳۹۱ش، **روش تحقیق با تکیه بر علوم قرآن و حدیث**، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۵-۱۳۸۴ش، **تفسیر موضوعی**، چاپ دوم، قم: إسرائ.
- حکیم، محمدباقر. ۱۳۷۸ش، **علوم قرآنی**، ترجمه محمد علی لسانی فشارکی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- خاکساری، محمدعلی. ۱۳۶۹ش، **مقدمه مراتب العلوم**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- دی بیلی، کنت. ۱۳۹۲ش، **نوع‌شناسی و گونه‌شناسی مقدمه‌ای بر فنون دسته‌بندی**، سیدمحمد اعرابی، کاوه خلیلی دامغانی، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رشید، رضا و محمد عبده. بی‌تا، **التفسیر القرآن الکریم الشہیر بتفسیر المنار**، چاپ دوم، بیروت: دار المعرفه.
- رشید، رضا. ۱۹۸۰م/۱۳۸۰ق، **وحی المحمدی**، چاپ ششم، مکتبه القاہرہ.
- ریتا، مارسلا و آرتور مالت بای. ۱۳۸۶ش، **آینده رده‌بندی**، ترجمه زهرا اباذری، تهران: نشر چاپار.
- سبحانی، جعفر. ۱۳۸۳ش، **منشور جاوید**، چاپ سوم، قم: انتشارات امام صادق (ع).
- سبحانی، جعفر. ۱۳۹۳ش/۱۴۲۰ق، **مفاهیم القرآن فی معالم الحکومة الاسلامیة**، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- طاش کبری زاده، احمد بن مصطفی. بی‌تا، **مفتاح السیادة ومصباح السیادة فی موضوعات العلوم**، بیروت: دار الکتب العلمیہ.
- طاهری عراقی، احمد. ۱۳۵۸ش، **رده بندی BP در اسلام**، تهران: مرکز خدمات کتابداری.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۴۱۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- لابوم، ژول. ۱۳۶۰ش، **تفصیل آیات القرآن الکریم**، ادوارد مونتیه، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، کتابفروشی اسلامیہ.

مارگات، گان. ۱۳۵۱ش، **اصول فهرست نویسی و طبقه بندی**، ترجمه هوشنگ ابرامی، تهران: مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی آموزشی.  
معرفت، محمد هادی، خیاط و نصیری. ۱۳۷۹ش، **تفسیر و مفسران**، جلد دوم، چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.  
مکارم شیرازی ناصر و همکاران. ۱۳۷۰ش، **پیام قرآن**، چاپ سوم، قم: امیرالمؤمنین(ع).

### مقالات

زمانی، محمد هاشم. ۱۳۸۴ش، «**ارزیابی معجم‌های موضوعی قرآن**»، بخش نخست، پژوهش‌های قرآنی، ش ۴۴، صص ۲۱۶-۲۳۳.  
زمانی، محمد هاشم. ۱۳۸۵، «**ارزیابی معجم‌های موضوعی قرآن**»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۴۶ و ۴۷، صص ۳۶۷-۳۹۷.  
طباطبایی، سید مجید. ۱۳۸۹ش، «**تأثیرات عمیق گوستاو فلوبل و ژول لابوم بر فهرست‌نگاری قرآنی**»، **آینه پژوهش**، ش ۱۲۱- صص ۵۵-۶۳.  
کهندل جهرمی، مرضیه و خیریه عچرش. ۱۳۹۴ش، «**رسم شبکه معنایی واژه فتنه و مترادفات آن در قرآن**»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۲۹-۵۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی